

باسمه تعالی

جزوه سؤالات درس به درس دین و زندگی (۳)، پایه دوازدهم، بر اساس چاپ ۹۷

طراح: قاسم مندوانی، دبیر معارف اسلامی استان خوزستان، شهرستان شادگان

ردیف	درس دوم: «یکانه بی همنا»	صفحه				
۱	<p>به سؤالات زیر پاسخ دهید:</p> <p>* مهم‌ترین اعتقاد دینی، چیست؟ پاسخ: «توحید و یکتاپرستی»</p> <p>* دین توحید و کتاب توحید به ترتیب، «.....» و «.....» است. پاسخ: «اسلام»- «قرآن»</p> <p>* در اسلام بدون اعتقاد به کدام اصل، هیچ اعتقاد دیگری اعتبار ندارد؟ پاسخ: «توحید»</p> <p>* سر لوحه دعوت همه پیامبران، کدام اصل از اصول دین بوده است؟ پاسخ: «توحید»</p> <p>* قرآن کریم اخلاق، احکام و همه اعمال فردی و اجتماعی مؤمنان را بر مدار اصل «.....» قرار داده است. پاسخ: «توحید»</p> <p>* کدام اصل از اصول دین، مانند روحی در بیکره معارف و احکام دین حضور دارد و به آن حیات و معنا می‌بخشد؟ پاسخ: «توحید»</p>	۱۸				
۲	«توحید» به معنای «اعتقاد به خدای یگانه است»؛ یعنی چه؟ پاسخ: یعنی، «خدا، بی‌همناست و شریکی ندارد.»	۲۰				
۳	رسول خدا (ص) از همان آغاز رسالت خود از مشرکان می‌خواست با گفتن کدام جمله، دست از شرک و بت پرستی بردارند و به چه چیزی ایمان آورند؟ پاسخ: «لا اله الا الله»- «خدای یگانه».	۲۰				
۴	با گفتن عبارت «لا اله الا الله» توسط افراد، چه نتایج حاصل می‌شد؟ پاسخ: (۱) تمام احکام و حقوق اسلامی فرد به رسمیت شناخته می‌شد. (۲) دفاع از حقوق این فرد، بر دیگر مسلمانان واجب می‌گشت. (۳) در زمره برادران و خواهران دینی قرار می‌گرفت.	۲۰				
۵	آیا جمله «لا اله الا الله» فقط یک شعار است؟ با ذکر مثال توضیح دهید. پاسخ: «خیر»، فقط یک شعار نبود؛ بلکه التزام به آن همه زندگی فرد تازه مسلمان را در رابطه با خدا، خویشتن، خانواده، اجتماع و دیگر مخلوقات تغییر می‌داد. به عنوان مثال، جعفر بن ابی طالب (ع) در حضور نجاشی- پادشاه حبشه- این تغییر وضعیت را توصیف کرد.	۲۰				
۶	<p>جعفر بن ابی طالب (ع) در حضور نجاشی- پادشاه حبشه- چگونه «تغییر وضعیت» مردم عربستان را توصیف کرد؟ بنویسید.</p> <table border="1"> <tr> <td>قبل از اسلام</td> <td>قومی بودیم؛ جاهل، بُت می‌پرستیدیم، مُردار می‌خوردیم، مرتکب زشتی‌ها می‌شدیم، پیوند خویشاوندی را قطع می‌کردیم، بی‌پناه را پناه نمی‌دادیم وقوی، ضعیف را می‌بلعید!</td> </tr> <tr> <td>بعد از اسلام</td> <td>پیامبر، ما را به خدا فراخواند که او را یگانه بدانیم، عبادت کنیم و آن چه را که خود و پدرانمان می‌پرستیدیم کنار بگذاریم، چیزی را شریک او قرار ندهیم، او ما را به عدل، احسان، راستی، درستی، امانت‌داری و نیکی نسبت به خویشان و همسایگان دعوت کرد و از خوردن مال یتیم و ارتکاب فحشاء و منکر و دروغ نهی کرد و دستور داد نماز را به پا داریم، زکات بپردازیم و ماه رمضان را روزه بگیریم، ما نیز او را تصدیق کرده و به او ایمان آوردیم و از او پیروی کردیم.</td> </tr> </table>	قبل از اسلام	قومی بودیم؛ جاهل، بُت می‌پرستیدیم، مُردار می‌خوردیم، مرتکب زشتی‌ها می‌شدیم، پیوند خویشاوندی را قطع می‌کردیم، بی‌پناه را پناه نمی‌دادیم وقوی، ضعیف را می‌بلعید!	بعد از اسلام	پیامبر، ما را به خدا فراخواند که او را یگانه بدانیم، عبادت کنیم و آن چه را که خود و پدرانمان می‌پرستیدیم کنار بگذاریم، چیزی را شریک او قرار ندهیم، او ما را به عدل، احسان، راستی، درستی، امانت‌داری و نیکی نسبت به خویشان و همسایگان دعوت کرد و از خوردن مال یتیم و ارتکاب فحشاء و منکر و دروغ نهی کرد و دستور داد نماز را به پا داریم، زکات بپردازیم و ماه رمضان را روزه بگیریم، ما نیز او را تصدیق کرده و به او ایمان آوردیم و از او پیروی کردیم.	۲۰
قبل از اسلام	قومی بودیم؛ جاهل، بُت می‌پرستیدیم، مُردار می‌خوردیم، مرتکب زشتی‌ها می‌شدیم، پیوند خویشاوندی را قطع می‌کردیم، بی‌پناه را پناه نمی‌دادیم وقوی، ضعیف را می‌بلعید!					
بعد از اسلام	پیامبر، ما را به خدا فراخواند که او را یگانه بدانیم، عبادت کنیم و آن چه را که خود و پدرانمان می‌پرستیدیم کنار بگذاریم، چیزی را شریک او قرار ندهیم، او ما را به عدل، احسان، راستی، درستی، امانت‌داری و نیکی نسبت به خویشان و همسایگان دعوت کرد و از خوردن مال یتیم و ارتکاب فحشاء و منکر و دروغ نهی کرد و دستور داد نماز را به پا داریم، زکات بپردازیم و ماه رمضان را روزه بگیریم، ما نیز او را تصدیق کرده و به او ایمان آوردیم و از او پیروی کردیم.					

۲۰	<p>توحید و یگانگی خداوند مراتبی دارد، چهار مورد را بنویسید.</p> <p>پاسخ: ۱- توحید در خالقیت ۲- توحید در مالکیت ۳- توحید در ولایت ۴- توحید در ربوبیت</p>
۲۰	<p>از مراتب توحید، «توحید در خالقیت» را توضیح دهید.</p> <p>پاسخ: عبارت از این است که معتقد باشیم؛ «خداوند، تنها مبدأ و خالق جهان است»، «موجودات، همه مخلوق او هستند» و «در کار آفرینش شریک و همتایی ندارد». آیه شریفه: «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ...» مبین این مطلب است.</p>
۲۰ و ۲۱	<p>چرا خداوند، تنها خالق جهان است؟ (چرا تصور چند خدایی صحیح نیست و خدای واحد، آفریننده جهان است؟)</p> <p>پاسخ: این تصور که چند خدا وجود دارد و هر کدام خالق بخشی از جهان اند یا با همکاری یکدیگر این جهان را آفریده‌اند، به معنای آن است که هر کدام از آن‌ها «محدود» و «ناقص» هستند و به تنهایی نمی‌توانند کل جهان را خلق کنند. همچنین به معنای آن است که هر یک از خدایان مذکور کمالاتی دارد که دیگری آن کمالات را ندارد و گرنه عین همدیگر می‌شوند و دیگر چند خدا نیستند. چنین خدایان ناقصی، خود، نیازمند هستند و هر یک از آن‌ها به خالق کامل و بی‌نیازی احتیاج دارد که نیازی را برطرف نماید. پس، تصور چند خدایی صحیح نیست و خدای واحد، آفریننده جهان است.</p>
۲۱	<p>از مراتب توحید، «توحید در مالکیت» را توضیح دهید.</p> <p>پاسخ: هر کس که چیزی را پدید می‌آورد، «مالک» آن است. از آن‌جا که خداوند، تنها خالق و پدیدآورنده جهان است، پس، تنها «مالک» آن نیز هست. آیه شریفه: «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ...» مبین این مطلب است.</p>
۲۱ و ۲۲	<p>از مراتب توحید، «توحید در ولایت» را توضیح دهید.</p> <p>پاسخ: هر کس «مالک» چیزی باشد، حق تصرف و تغییر در آن چیز را دارد اما دیگران بدون اجازه وی، نمی‌توانند در آن تصرف یا از آن استفاده کنند. به این حق تصرف، «ولایت» و «سرپرستی» می‌گویند. آیه شریفه: «...مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا» مؤید این مطلب است. از آن‌جا که خداوند، تنها «مالک» جهان است، تنها «ولیی» و «سرپرست» آن نیز هست و مخلوقات، جز به اذن و اجازه او نمی‌توانند در جهان تصرف کنند. چنین اذنی به معنی واگذاری ولایت خداوند به دیگری نیست.</p>
۲۲	<p>اگر خداوند ولایتی به شخصی بدهد، به چه معناست؟ توضیح دهید.</p> <p>پاسخ: بدین معناست که خداوند، آن شخص را در مسیر و مجرای ولایت خود قرار داده است. اگر خداوند، پیامبر اکرم (ص) را ولی انسان‌ها معرفی می‌کند، بدین معناست که ایشان را «واسطه ولایت خود» و «رساننده فرمان‌هایش» قرار داده است.</p>
۲۲	<p>از مراتب توحید، «توحید در ربوبیت» را توضیح دهید.</p> <p>پاسخ: «رب» به معنای «مالک» و «صاحب اختیاری» است که تدبیر و پرورش مخلوق به دست اوست. هر کس که خالق، مالک و ولی چیزی باشد می‌تواند آن را تدبیر کرده و پرورش دهد. از آن‌جا که خداوند تنها خالق، مالک و ولی جهان است، تنها رب هستی (وجود) نیز می‌باشد. اوست که جهان را «اداره» می‌کند و آن را به سوی مقصدی که برایش معین فرموده، هدایت می‌نماید و به پیش می‌برد.</p>

۲۲	<p>۱۴ آیا توحید در ربوبیت بدین معناست که موجودات - به خصوص انسان - قدرت تدبیر ندارند؟ توضیح دهید.</p> <p>پاسخ: «خیر» - باغبانی که زحمت می کشد و به پرورش درختان اقدام می کند، رشد این درختان نتیجه تدبیر اوست. بلکه، توحید در ربوبیت بدین معناست که این باغبان و تدبیرش همه از آن خدا و تحت تدبیر اویند. کشاورز وقتی خود را با دیگران، یعنی کسانی که در کشت زمین او دخالتی نداشته اند، مقایسه می کند می بیند که این زراعت حاصل دسترنج خودش است، اما وقتی رابطه خود را با خدا بررسی می کند، می بیند که هم خودش و هم نیرو و توانش از آن خداست و کشت و زرع او بر اساس استعدادی که خداوند در آن قرار داده رشد کرده و محصول داده است. در نتیجه، در می یابد که زارع حقیقی و پرورش دهنده اصلی زراعت او خداست و باید شکر گزار او باشد. آیه شریفه: «قُلْ أَغْنِيَ اللَّهُ عَنْيَ رِزْقًا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ...» مؤید این مطلب است.</p>	۱۴								
۲۳	<p>۱۵ به سوالات زیر پاسخ کوتاه دهید:</p> <p>*. شرک به چه معناست؟ پاسخ: به معنای «شریک قرار دادن برای خدا» است.</p> <p>*. هر کس که معتقد خداوند شریک دارد، «.....» به حساب می آید. پاسخ: «مُشْرِك».</p> <p>*. شرک مانند توحید، در جاتی دارد. درست نادرست</p>	۱۵								
۲۳	<p>۱۶ اگر کسی معتقد باشد که این جهان را «چند خالق» آفریده اند، گرفتار چه نوع شرکی شده است؟</p> <p>پاسخ: «شرک در خالقیت».</p>	۱۶								
۲۳	<p>۱۷ جدول زیر که درباره مراتب شرک است را کامل نمایید:</p> <table border="1" data-bbox="272 1099 1350 1485"> <tr> <td data-bbox="272 1099 392 1144">شرک در خالقیت</td> <td data-bbox="392 1099 1350 1144">اگر کسی معتقد باشد که این جهان را «چند خالق» آفریده اند، گرفتار «شرک در خالقیت» شده است.</td> </tr> <tr> <td data-bbox="272 1144 392 1223">شرک در مالکیت</td> <td data-bbox="392 1144 1350 1223">عبارت است از، اعتقاد به این که علاوه بر خداوند و در کنار او، دیگران هم مالک «بخشی» از جهان هستند. اگر کسی معتقد به شرک در «خالقیت» باشد، معتقد به شرک در «مالکیت» نیز خواهد بود.</td> </tr> <tr> <td data-bbox="272 1223 392 1301">شرک در ولایت</td> <td data-bbox="392 1223 1350 1301">عبارت است از، اعتقاد به این که علاوه بر خداوند و در کنار او، دیگری نیز هستند که سرپرستی جهان را بر عهده دارند و «خودشان، حق تصرف در جهان را دارا می باشند».</td> </tr> <tr> <td data-bbox="272 1301 392 1485">شرک در ربوبیت</td> <td data-bbox="392 1301 1350 1485">عبارت است از، اعتقاد به این که علاوه بر خداوند و در کنار او، دیگری نیز هستند که «تدبیر امور موجودات را بر عهده دارند». اگر کسی در کنار ربوبیت الهی، برای خود یا سایر مخلوقات حساب جداگانه باز کند و گمان کند که کسی می تواند مستقل از خداوند، امور را تدبیر کند، گرفتار «شرک در ربوبیت» شده است.</td> </tr> </table>	شرک در خالقیت	اگر کسی معتقد باشد که این جهان را «چند خالق» آفریده اند، گرفتار «شرک در خالقیت» شده است.	شرک در مالکیت	عبارت است از، اعتقاد به این که علاوه بر خداوند و در کنار او، دیگران هم مالک «بخشی» از جهان هستند. اگر کسی معتقد به شرک در «خالقیت» باشد، معتقد به شرک در «مالکیت» نیز خواهد بود.	شرک در ولایت	عبارت است از، اعتقاد به این که علاوه بر خداوند و در کنار او، دیگری نیز هستند که سرپرستی جهان را بر عهده دارند و «خودشان، حق تصرف در جهان را دارا می باشند».	شرک در ربوبیت	عبارت است از، اعتقاد به این که علاوه بر خداوند و در کنار او، دیگری نیز هستند که «تدبیر امور موجودات را بر عهده دارند». اگر کسی در کنار ربوبیت الهی، برای خود یا سایر مخلوقات حساب جداگانه باز کند و گمان کند که کسی می تواند مستقل از خداوند، امور را تدبیر کند، گرفتار «شرک در ربوبیت» شده است.	۱۷
شرک در خالقیت	اگر کسی معتقد باشد که این جهان را «چند خالق» آفریده اند، گرفتار «شرک در خالقیت» شده است.									
شرک در مالکیت	عبارت است از، اعتقاد به این که علاوه بر خداوند و در کنار او، دیگران هم مالک «بخشی» از جهان هستند. اگر کسی معتقد به شرک در «خالقیت» باشد، معتقد به شرک در «مالکیت» نیز خواهد بود.									
شرک در ولایت	عبارت است از، اعتقاد به این که علاوه بر خداوند و در کنار او، دیگری نیز هستند که سرپرستی جهان را بر عهده دارند و «خودشان، حق تصرف در جهان را دارا می باشند».									
شرک در ربوبیت	عبارت است از، اعتقاد به این که علاوه بر خداوند و در کنار او، دیگری نیز هستند که «تدبیر امور موجودات را بر عهده دارند». اگر کسی در کنار ربوبیت الهی، برای خود یا سایر مخلوقات حساب جداگانه باز کند و گمان کند که کسی می تواند مستقل از خداوند، امور را تدبیر کند، گرفتار «شرک در ربوبیت» شده است.									
۲۴	<p>۱۸ اگر سوالات زیر از ما پرسیده شود، چه پاسخی باید به آنها بدهیم؟</p> <p>مرز توحید و شرک کجاست؟ آیا اگر کسی پزشک را وسیله درمان و بهبود بیماری بداند، مشرک است؟ آیا اگر کسی از غیر خدا در خواست کمک کند، گرفتار شرک شده است؟ آیا اگر کسی دعا را وسیله جلب مغفرت الهی و صدقه را وسیله دفع بلا بداند، مشرک است؟ و بالاخره، آیا توسل به پیامبران و معصومین (علیهم السلام) شرک به حساب می آید؟</p> <p>پاسخ: می گوییم: اولاً خداوند «رابطه علیت» را میان پدیده های جهان حاکم کرده است. آتش، موجب گرما و روشنی و دارو، سبب شفا و بهبودی است. پزشک، وسیله درمان؛ معمار، بنای ساختمان و معلم نیز وسیله تعلیم و تربیت است. در امور «معنوی» نیز همین گونه است. «دعا»، سبب مغفرت و آمرزش؛ «صدقه»، موجب دفع بلا و «صله رحم»، موجب افزایش طول عمر است. ثانیاً همان گونه که درخواست از پزشک برای درمان بیمار با توحید منافاتی ندارد، درخواست از اولیای الهی برای اجابت خواسته ها نیز منافاتی با توحید ندارد.</p>	۱۸								

۱۹	آیا اگر کسی از غیر خدا (مثلاً معلم یا پزشک) درخواست کمک کند، گرفتار شرک شده است؟ توضیح دهید. پاسخ: «خیر» - همه روابط موجود در میان مخلوقات جهان، توسط خداوند طراحی شده و به اذن و اراده او صورت می‌گیرد. بنابراین، کسی که برای آموختن، نزد معلم می‌رود یا برای درمان به پزشک مراجعه می‌کند، نه تنها معلم و پزشک را شریک خداوند قرار نداده، بلکه به «قانون الهی» عمل کرده است.	۲۴
۲۰	آیا درخواست کمک از پزشک و اولیای الهی برای اجابت خواسته‌ها منافاتی با توحید دارد؟ توضیح دهید. پاسخ: «خیر» - زیرا پزشک به واسطه استفاده از اسباب «مادی» و اولیای الهی به واسطه اسباب «غیرمادی» و با اذن خداوند این کار را انجام می‌دهند.	۲۴
۲۱	عقیده به توانایی پیامبر اکرم (ص) و اولیای دین (علیهم‌السلام) در بر آوردن حاجات انسان (مانند شفا دادن) چه زمانی موجب «شرک» می‌شود و چه زمانی «عین توحید» است؟ پاسخ: وقتی که این توانایی را از «خود آن‌ها» و «مستقل از خدا» بدانیم. اما اگر این توانایی را صرفاً از خدا و انجام آن را با درخواست اولیاء از خداوند و به اذن خدا بدانیم، عین توحید است و از این جهت مانند اثر شفا بخشی داروست که خداوند به آن بخشیده است.	۲۴
۲۲	آیا توانایی کمک رساندن پیامبر اکرم (ص) و اولیای الهی (علیهم‌السلام) به دیگران، تنها به زمان حیات دنیوی آن‌ها اختصاص دارد؟ پاسخ: «خیر» - بلکه، پس از رحلت ایشان نیز استمرار دارد. به عبارت دیگر، روح مطهر ایشان پس از رحلت زنده است و می‌تواند به انسان‌ها یاری برساند.	۲۴
۲۳	اگر ما از رسول خدا (ص) چیزی درخواست کنیم، در خواست از «.....» نیست، بلکه از حقیقت «.....» و «.....» ایشان است. پاسخ: «جسمشان»، «روحانی» و «معنوی».	۲۴
۲۴	آیا اگر کسی از پدر و مادرش و یا هر مؤمنی بخواهد که برای سعادت‌مندی او دعا کند، چنین درخواستی شرک آلود است؟ پاسخ: هیچ گروهی از مسلمانان، غیر از جریانی که امروزه به «تکفیری‌ها» مشهور شده، چنین درخواستی را شرک آلود نمی‌دانند. «جریان تکفیری» در سال‌های اخیر، برخی از جوامع و کشورهای اسلامی را گرفتار خود کرده است. پیروان این جریان فکری خشک و غیرعقلانی با تفکر غلطی که درباره «توحید» و «شرک» دارند، هر مسلمانی را که مانند آن‌ها نمی‌اندیشند، «مشرک» و «کافر» می‌خوانند و گاه کشتن او را «واجب» می‌شمارند.	۲۵
۲۵	کدام جریان، بزرگترین ضربه را به اسلام وارد کرد و سبب تنفر برخی از مردم جهان از اسلام شد؟ پیروان این گروه، چه اعتقاداتی دارند؟ پاسخ: «جریان تکفیری» - (۱) توسل به پیامبران و معصومین، «شرک» است. (۲) طلب دعا و شفیع قرار دادن دیگران برای این که خدا انسان را ببخشد، «شرک» است. (۳) معتقدند این گونه افراد، «کافر» هستند و مسلمان محسوب نمی‌شوند.	۲۵
۲۶	دو نمونه از توسل که در قرآن کریم ذکر شده است را بنویسید. پاسخ: ۱- قرآن کریم نقل می‌کند که «فرزندان یعقوب» از پدرشان درخواست کردند که برای آن‌ها طلب آمرزش کند و حضرت یعقوب (ع) نیز به آنان وعده دعا داد. ۲- قرآن کریم بیان می‌کند استغفار پیامبر (ص) در حق «منافقان» مؤثر نیست، اما در مورد دیگران مؤثر است.	۲۵
۲۷	در تاریخ درباره درخواست دعای مسلمانان از پیامبر (ص) در زمان حیات و پس از رحلت ایشان، چه آمده است؟ بنویسید. پاسخ: در زمان حیات ایشان، برای درخواست دعا نزد آن حضرت می‌آمدند. پس از رحلت ایشان نیز، در کنار قبرشان می‌رفتند یا از دور درخواست خود را مطرح می‌کردند.	۲۶